



شماره سی ام
زمستان ۱۳۹۳
صفحات ۱۱۶-۱۰۱ ویژه‌نامه زبان و گویش

وزن شعر کودک: عروضی؟ هجایی؟ یا تکیه‌ای - هجایی؟

دکتر حشمت‌الله آذرمان

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان

مرتضی نجاتی جزه *

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان

چکیده

یکی از سؤالاتی که همواره در بین شاعران و محققان مطرح می‌شود، چگونگی وزن شعر کودک است. گروهی وزن شعر کودک را عروضی می‌دانند و گروهی دیگر غیرعروضی. در این مقاله سعی شده‌است با تکیه بر مطالعات و تحقیقات ادیبان و شاعران و نیز تحقیقاتی که دربارهٔ وزن شعر در زبان‌ها و زمان‌های مختلف صورت گرفته‌است، برای این پرسش، پاسخی درخور یافته شود. درنهایت به این نتیجه رسیده‌ایم که برخی از اشعار کودک عروضی، و بعضی غیرعروضی هستند، اما وزن آن دسته از اشعاری که در وزن غیرعروضی جای می‌گیرند، با الگوهای وزنی مطرح‌شده از طرف محققان شعر کودک متفاوت است؛ زیرا آنان این وزن غیرعروضی را هجایی می‌دانند، درحالی‌که به باور نویسندگان این پژوهش، وزن مزبور «تکیه‌ای - هجایی» است.

واژگان کلیدی: وزن شعر کودک، وزن عروضی، وزن هجایی، وزن تکیه‌ای - هجایی

۱- مقدمه

شعر کودک که از جریان شکوهمند شعر کلاسیک تغذیه می‌کند، آرام‌آرام راهی دیگرگونه برمی‌گزیند؛ دنیایی کودکانه که با دنیای بزرگسالان متفاوت است و خیال‌انگیزی‌های خاص دارد. یکی از راه‌هایی که باعث ایجاد خیال در شعر می‌شود و آن را از سطح سخن عادی بالاتر می‌برد، وزن شعر است. شاعر کودک نیز با آگاهی از این موضوع می‌کوشد تا با ایجاد تنوع در وزن شعر، کودک را به شعر خویش دعوت کند. اهمیت وزن شعر کودک تا آنجاست که گروهی از شاعران کودک در پی ایجاد وزنی تازه در شعر کودک هستند، و وزن برخی از اشعار کودکانه فارسی امروز را نه بر مبنای اصول عروض، بلکه مبتنی بر تعداد هجا می‌دانند. اینکه سخنان این شاعران تا چه اندازه صحیح است، مسأله‌ای است که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- تعریف و انواع وزن شعر

شفیعی کدکنی در کتاب موسیقی شعر می‌نویسد: از وزن شعر تعریف‌های بسیاری ارائه شده و همگی نیز مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. به نظر او شاید بهترین تعریف همان باشد که خانلری در کتاب وزن شعر آورده است: «وزن نوعی تناسب است. تناسب کیفیتی است حاصل از ادراک وحدتی در میان اجزای متعدد. تناسب اگر در مکان واقع شده باشد، آن را قرینه خوانند و اگر در زمان واقع شد، وزن خوانند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۳۹ به نقل از خانلری).

بر حسب خصوصیات صوت، یعنی شدت، امتداد، و زیر و بمی صوت، می‌توان انواع وزن شعر را در دو گروه عمده دسته‌بندی نمود: نظام‌های وزنی ساده و نظام‌های وزنی مرکب. اوزان ساده شامل دو نوع وزن هجایی خالص و تکیه‌ای خالص و اوزان مرکب نیز شامل تکیه‌ای-هجایی، نواختی و کمی هستند (طیب‌زاده، ۱۳۸۲: ۵۲-۶).

۲-۱- انواع وزن‌های ساده

۲-۱-۱- وزن هجایی خالص

وزن هجایی خالص، وزنی است که فقط بر اساس تساوی تعداد هجاها شکل گرفته باشد. خانلری (۱۳۸۶: ۲۶) آن را نوعی وزن می‌داند که صوت‌ها از جنبه عددی و بدون خواص و صفات دیگر منظم می‌شوند. این نوع وزن، خاص زبان‌هایی است که در آنها کوتاه و بلند

بودن مصوّت‌ها، تکیه و زیر و بمی هیچ‌کدام نقشی در شعر ندارند؛ مانند وزن شعر زبان‌های فرانسوی و ژاپنی (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۴: ۶۷-۸). برخی اعتقاد دارند وزن اشعار اوستایی هجایی بوده‌است (بهار، ۱۳۸۶: ۱/ ۴۸). عده‌ای هم بر این باورند که وزن «فهلویات» کاملاً غیرعروضی یعنی هجایی است؛ مانند چهارخانه / دوبیتی‌های شرفشاه، شاعر گیلک‌زبان قرن هشتم (شمیسا، ۱۳۸۲: ۱۵). شعر هجایی قدیم ایران تدریجاً به اوزان هجایی جدید که نزدیک به وزن‌های عروضی است، تبدیل شده‌است (صفا، ۱۳۶۸: ۴۷). نکته جالب از نظر بنویسندگان همین ابداع و ابتکار ایرانیان در تطبیق شعر هجایی با عروض عرب است که بر کمیت مصوّت‌ها استوار است (احمدپناهی، ۱۳۸۳: ۱۳۶). اما شفیعی کدکنی (۱۳۸۵: ۵۲۰) معتقد است، برخی کلمات از اشعار قدما را باید کشیده تلفظ کرد و برخی را مشدّد تا وزن آن را دریابیم و این کار به معنای هجایی بودن و یا تکیه‌ای بودن شعر قدیم ایرانی نیست، بلکه می‌تواند نوعی وزن عروضی باشد.

۲-۱-۲- وزن تکیه‌ای خالص

وزن ضربی یا تکیه‌ای - خاص زبان‌هایی است که در آنها هجای تکیه‌دار اصل است و هجاهای بی‌تکیه سریع تلفظ می‌شود؛ مانند وزن شعر انگلیسی قدیم و آلمانی. شعر در وزن ضربی که مبتنی بر تساوی تعداد تکیه‌هاست و نظم میان هجاهای کوتاه و بلند در آنها رعایت نمی‌شود، به گوش فارسی‌زبانان موزون نمی‌رسد. ضمناً در شعر فارسی تساوی تعداد تکیه مصرع‌ها به‌هیچ‌وجه نقشی ندارد (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۴: ۶۷).

۲-۲- وزن‌های مرکب

۲-۲-۱- وزن تکیه‌ای - هجایی

وزن تکیه‌ای - هجایی، وزنی است که در آن هم تعداد هجاها و هم محل تکیه‌ها اهمیت دارد. این وزن یکی از متداول‌ترین اوزان شعری جهان است. در این وزن رعایت واحدهای وزنی همچون پایه‌ها یا شطرها نیز الزامی است، اما در وزن تکیه‌ای خالص مفهومی به‌نام پایه یا شطر وجود ندارد (طیب‌زاده، ۱۳۸۲: ۵۶). همین وزن را وحیدیان کامیار وزن ضربی - هجایی می‌خواند و می‌گوید که تغییرات محل تکیه‌ها و تعداد آنها جواز خیلی بیشتری از تغییرات هجاها دارد (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۴: ۶۸).

۲-۲-۲- وزن نواختی

وحیدیان کامیار این وزن را وزن آهنگی می‌خواند و آن را خاص زبان‌هایی همچون چینی و ژاپنی می‌داند که تغییر در تلفظ زیر و بمی معنا را تغییر می‌دهد (همان: ۶۷). همین وزن را با همین توضیحات رستگار فسایی، در کتاب انواع شعر فارسی، وزن کیفی نامیده‌است (۱۳۸۰: ۶۰).

۲-۲-۳- وزن کمی

اساس این وزن مبتنی بر نظم هجاهای بلند و کوتاه در مصراع‌های یک شعر است. این نوع وزن خاص زبان‌هایی است که در آنها مصوّت‌ها به کوتاه و بلند و در نتیجه هجاها به کوتاه و بلند و احياناً کشیده تقسیم می‌شوند و امتداد هجاها، اعم از کوتاه یا بلند یا کشیده، ثابت است. در این اوزان، هجاهای بلند و کوتاه در درون واحدهای وزنی خاصی، مثلاً پایه‌ها و میزان‌ها قرار می‌گیرند. وزن شعر فارسی، عربی، سانسکریت و یونانی قدیم از نوع کمی است (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۴: ۶۷).

۳- وزن شعر فارسی

وحیدیان کامیار درباره‌ی وزن شعر فارسی می‌گوید که وزن شعر فارسی کمی است و آن را به دو دسته‌ی اوزان رسمی و غیررسمی تقسیم می‌کند:

اوزان شعر رسمی خود بر دو گونه است:

الف- اوزانی که مبتنی بر نظم و تساوی هجاها در هر مصراع شعر است و همه‌ی اشعار فارسی جز معدودی مستزاد و بحر طویل تا زمان نیما یوشیج در این اوزان سروده شده‌است.

ب- اوزانی که در آن نظم میان هجاهای هر مصراع رعایت می‌شود، اما طول مصراع‌ها یکسان نیست و بر سه نوع است:

۱- وزن در قالب مستزاد: مستزاد شعری (غزل، مثنوی، رباعی و گاه مسمط) است که در پایان هر مصراع آن مصراع کوتاهی می‌آید. این مصراع‌های کوتاه هم‌وزن هستند و در وزن مصراع‌های اصلی منتها کوتاه‌تر. قبل از مشروطیت در قالب مستزاد، اشعار اندکی سروده شده‌است.

۲- بحر طویل: شعری است که مصراع آن از تکرار تعدادی نامعین ارکان عروضی فعلاتن یا مفاعیلن ساخته می‌شود.

۳- وزن نیمایی: چون وزن عروضی مبتنی بر تساوی و نظم هجاهای هر مصراع شعر، با مفاهیم و احساسات روزگار متناسب نبود، فکر یافتن وزنی جدید در شاعران پیدا شد.

سرانجام نیما یوشیج راهی تازه در وزن ابداع کرد، به این صورت که قید تساوی را برداشت و دست شاعر را در سرودن شعر باز کرد، بی آنکه از زیبایی موزیکی وزن قدیم بکاهد. وزن اشعار غیررسمی مانند نوحه‌ها، اشعار عامیانه و ترانه‌ها نیز کمی است، اما هر کدام ویژگی‌های خود را دارند. در این اشعار، کوتاه و بلندی مصراع‌ها دیده می‌شود و گاه تغییر وزن. در قالب‌های این اشعار گاه تفاوت‌هایی نسبت قالب‌های شعر رسمی وجود دارد و قافیه نیز آزادتر است، زبان این اشعار اغلب محاوره‌ای است (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۴: ۶۳-۴).

در آنچه که از قول وحیدیان کامیار نوشتیم، می‌بینیم که شعر عامیانه نیز دارای وزن کمی انگاشته شده است، اما برخی از محققان نظر دیگری دارند و از آنجا که این نظر دیگر در بررسی وزن شعر کودک اهمیت ویژه دارد، نقل آن سودمند است:

زبان فارسی از جمله زبان‌هایی در جهان است که به طور هم‌زمان دارای دو وزن گوناگون است: یکی وزن عروضی اشعار رسمی و دیگری وزن تکیه‌ای هجایی اشعار عامیانه. وزن عروضی یا کمی [یکی از وزن‌های قدیمی] هند و اروپایی است ... و وزن تکیه‌ای - هجایی [یکی از وزن‌های متداول] هند و اروپایی محسوب می‌شود (طیب‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۲).

۴- وزن شعر کودک

۴-۱- دیدگاه‌های رایج درباره وزن شعر کودک

هرچند در مورد کاربرد وزن در شعر بزرگسالان اختلاف بسیار است - تا آنجا که امروزه برخی از شاعران گاهی وزن را مخلّ بیان احساسات شاعر می‌دانند - در شعر کودک این اختلافات، جنبه دیگری دارد. آیا شعر کودک نیز یکسر برمبنای شعر عروضی سروده می‌شود؟ اختلاف در پاسخ به این سؤال بسیار زیاد است. سلاجقه (۱۳۸۷: ۴۴۹) تسلط کامل را از آن وزن عروضی می‌داند، اما به نظر می‌رسد که برخی دیگر از شاعران و نظریه پردازان چنین حکمی را قابل قبول نمی‌دانند:

در زبان فارسی نوعی میل باطنی برای رفتن به سوی هجا وجود دارد... وقتی با کودک برخورد می‌کنیم ناخودآگاه برمی‌گردیم به گذشته زبان فارسی و هجا و عروض را در برابر هم می‌بینیم... [در شعر بزرگسالان] هیچ‌کس را پیدا نمی‌کنید که بگوید که من می‌خواهم غزل هجایی، قصیده هجایی یا مثنوی هجایی بگویم. در آنجا تکلیف شاعر مشخص است... در شعر کودک بحث هجا و عروض یکبار دیگر زنده شده است... می‌توان برای خردسالان... شعر هجایی سرود... ولی در شعر کودک بهتر است که تا حد امکان عروضی بسراییم (رحماندوست، ۱۳۷۵: ۳۲).

با توجه به آنچه که در بحث انواع وزن، به‌خصوص وزن شعر هجایی گفته شد، درمی‌یابیم آنچه را رحماندوست به این سادگی بیان می‌کند، جای گفتگو دارد و به گفته بعضی از صاحب‌نظران تجربه سرایش شعر هجایی در زبان فارسی موفق نبوده است:

در فاصله ۱۳۰۷ قمری که میرزا حبيب این تجربه وزنی [وزن هجایی] را انجام داده تا امروز، بعضی شعرا به تفنن در این وزن شعر سروده‌اند. اما هیچ‌یک از آن شعرا نتوانسته در میان خوانندگان طبیعی شعر فارسی، جایی باز کند و این خود برهانی است بر غیرطبیعی بودن این وزن برای ساختمان زبان فارسی (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۵۳۳).

تنها در همین چند جمله از شفیع کدکنی چند نکته است که می‌توان براساس آن کلام رحماندوست را نقد کرد. رحماندوست شعر هجایی را زائیده فطرت و سادگی زبان می‌داند، درحالی‌که شفیع کدکنی آن را برای زبان فارسی غیرطبیعی می‌داند. اما یک سؤال پیش می‌آید که اساس این اختلاف نظر در چیست؟ آیا رحماندوست شعر عروضی را نمی‌شناسد و فقط نظری ابراز کرده است یا شعر کودک گاهی به گونه‌ای است که حتی سراینده‌اش را در فهم وزنش به اشتباه می‌اندازد؟ اما نکته جالبی نیز از این سخنان به دست می‌آید که وزن شعر کودک فارسی می‌تواند متفاوت از وزن شعر بزرگسالان باشد.

۴-۲- بررسی وزن در شعر کودک

در یک نگاه کلی شعر کودک از نظر وزن به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱- نخست اشعاری که وزن آنها کمی و کاملاً عروضی است؛ ۲- اشعاری که از شکل عروض سنتی خارج‌اند. برای نمونه اول شعر زیر را می‌توان مثال زد که دارای وزنی کمی است و براساس قواعد عروضی (بحر رجز مربع مرفل: دوبار مستفعلاتن)^(۱) سروده شده است:

در خانسه دارم	من یک دوچرخه
بهر آن سووارم	با چشم بسته
خوش‌رنگ‌تر نیست	از ایمن دوچرخه
یک روز، آبی است	یک روز، قرمز
از جنس چرم است	زیمن قش‌نگش
از بس که نرم است...	مثل پر قوس است
زیبا و عالی است	با این‌که چرخم
چرخ‌خیالی است	یک عیب دارد

(قاسم نیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۲)

اما همه شعرهای کودکانه چنین نیستند و برخی در هیچ کدام از اوزان عروضی جای نمی‌گیرند؛ مانند شعر زیر که نمونه‌ای برای نوع دوم شعر کودک است:

ممان می‌گه: بزرگ شدی	خودت برو تنها بخواب
بابا میگه: موقع خواب	خودت بخون از رو کتاب
کاشکی که من کوچیک بودم	کوچیک‌تر از سن حالام
تا که ممان خوابم می‌کرد	قصه می‌گفت برام بابام

(قاسم‌نیا، ۱۳۸۱: ۴)

نظم کمی این شعر در جدول زیر به تصویر کشیده شده است؛ البته در این تقطیع برای پرهیز از آشفتگی بیشتر هجاهای آخر بلند به حساب آمده‌اند:

۱	ما	مان	می	گ	ب	زرگ	ش	دی
۲	خ	دت	ب	ر	تن	ها	ب	خاب
۳	با	بام	می	گ	م	ق	ع	خاب
۴	خ	دیت	ب	خون	از	رو	ک	تاب
۵	کاش	کی	ک	من	کو	چیک	بو	دم
۶	کو	چیک	ت	رز	س	ن	حا	لام
۷	تا	ک	ما	مان	خا	بم	می	کرد
۸	با	بام	می	خون	دز	رو	ک	تاب

کدام وزن عروضی در این شعر رعایت شده است؟ به نظر می‌آید باید به دنبال وزنی همچون «مفعول فاعلات» در این شعر باشیم (قس. طبیب‌زاده، ۱۳۸۹)، اما تقطیع این شعر در این وزن هم در تلفظ کلمات و هم در برابری هجاها ایراد دارد:

در مصراع اول کلمه «بزرگ» باید از سوی شاعر به صورت «بُزُگ» (بدون تلفظ «ر») تلفظ شده باشد؛ همان‌گونه که برخی از کودکان این‌گونه کلمه را تلفظ می‌کنند.

در مصراع سوم دو کلمه «بابام می‌گه» پشت سرهم آورده شده، درحالی‌که حرف خاتمه کلمه نخست حرف ابتدای کلمه دوم است؛ به نظر می‌آید حرف «میم» در «بابام» نباید از سوی شاعر تلفظ شده باشد و یا به صورت مُدَعَم با کلمه بعد تلفظ شده است که به هر صورت یک حرف «میم» در اینجا کفایت می‌کند.

در مصراع پنجم و ششم «کوچیک» نوشته شده، اما باید از سوی شاعر به «کوچک» تلفظ شده باشد و بعد برای آنکه حالت رسمی و کتابی «کوچک» فضای محاوره‌ای شعرش را تحت تأثیر قرار می‌داده، آن را به صورت «کوچیک» نوشته است. با این حال برای کلمه «کاش» در همین مصراع پنجم توجه خاصی به نظر نمی‌رسد و بدین ترتیب ما یک مصراع داریم که از تعداد برابر هجاها بیرون است.

در مصراع دوم کلمه «تنها» برابری کمی هجاها را در برابر مصراع نخست از بین می‌برد، برای اینکه این برابری صورت بگیرد، باید این کلمه به صورت «تنا» تلفظ شده باشد تا با توجه به صورت تصحیح‌شده کلمه «بزرگ» که در بند یک توضیح داده شد، این نظم کمی برقرار شود.

در مصراع دوم، هجای نخست و سوم از نظم کمی بیت بیرون است. در مصراع سوم، چهار هجای کوتاه پشت سر هم داریم؛ هجای چهارم و هفتم قابلیت تبدیل به هجای بلند را دارند و از آنجا که هجای چهارم مصراع بعد بلند است، آن را بلند محسوب می‌کنیم، اما باز هم مشکل بر جای خود باقی است: سه هجای کوتاه پشت سر هم داریم و تنها هجای هفتم می‌تواند به هجای بلند تبدیل شود، اما با این کار برابری هجاها با هجای هم‌تا در مصراع بعد از دست می‌دهیم.

در مصراع چهارم هجاهای اول، سوم، پنجم و ششم برابری کمی با هجای هم‌تا در مصراع سوم ندارند.

در مصراع ششم حرف نون در کلمه «سن» را باید بلند تلفظ کرد تا برابری هجایی با مصراع پنجم به دست بیاید.

هجای چهارم در همه مصراع‌ها بلند است، به جز در مصراع‌های اول و دوم که آنها را نیز می‌توان بلند محسوب کرد.

با این وضعیت، وزن مصراع‌ها به قرار زیر است:

مصراع نخست: «مفعولن فاعلاتن فع». مصراع دوم: مفاعلهن مفاعلهن؛ مصراع سوم: مفعولن مفتعلاتن فع؛ مصراع چهارم: مفاعلهن مستفعلن؛ مصراع پنجم: مفعول مفعولن فعلن؛ مصراع ششم: مفعول مفعولن فعلن؛ مصراع هفتم: فاعلاتن مفعولاتن؛ و مصراع هشتم: فاعلاتن مفاعلهن.

به این ترتیب تنها بیت سوم دارای وزن واحدی است. شاید بتوان با توجیہات عروضی بیشتر کاری کرد که عاقبت تمام این شعر در حوزه وزنی نزدیک تر به هم قرار گیرد. نمونه چنین تقطیع اشتباهی از «مهدی پور عمرانی» (۱۳۸۳: ۲۲۱-۲۲۰) در مورد شعر «حسنى بی دندون شده» است که به شکل زیر تقطیع شده است:

حسنى بی دندون شده فاعلاتن
 زار و پریشون شده فاعلاتن
 بی احتیاطی کرده فاعلاتن
 حالا پیشمون شده فاعلاتن
 با دندوناش شکسته (فاعلاتن)
 بادوم سخت و پسته (فاعلاتن)
 مک زده به آب نبات مفتعلن فاعلن
 هی جویده شکلات مفتعلن فاعلن
 قندونو خالی کرده مفتعلن فاعلات
 وای که چه کاری کرده مفتعلن فاعلات
 دونه به دونه دندوناش مفتعلن مفاعلن
 خراب شدن یواش یواش مفتعلن مفاعلن
 تا خونه همسایه ها مفتعلن مفاعلن
 می آد صدای گریه هاش مفتعلن مفاعلن

اشتباه بودن وزن تشخیصی مهدی پور از همان دو سطر نخست مشهود است. تقطیع دو سطر نخست این گونه خواهد بود: UU / UU _ _ _ _ UU

با ادامه دادن این تقطیع در خواهیم یافت که وزن شعر متغیر است و یافتن ارکان عروضی یکسان برای این شعر تنها با توجیہات بسیار و فراوان امکان پذیر است. شعر زیر

مثالی دیگر در این زمینه است:

__UU_U	کو	زم	م	قر	ه	لا	ک	کلاه قرمزم کو؟
__UU_U	بافت	رم	د	ما	ک	مون	ه	همون که مادرم بافت
__UU_U	دو	شی	ک	تی	م	زح	چ	چه زحمتی کشید او
__(UU)__	بافت	رم	س	زی	ز	دا	ان	اندازه سرم بافت
__U_U(-)	بود	من	ه	لا	ک	ی	رو	روی کلاه من بود
-(U)-	موش	چ	چ	تا	د	س	عک	عکس دوتا بچه موش
__U_U(-)	زود	گو	ب	من	ب	ب	گر	گریه به من بگو زود
__UU_U	کوش	زم	م	قر	ه	لا	ک	کلاه قرمزم کوش

این قطعه شعر از مصراع اول تا سوم به راحتی بر وزن «مفاعیلن فعولن» تقطیع می‌شود. هجاهای داخل پرانتز هجاهایی هستند که با توجه به اختیارات شاعری می‌توان آنها را تغییر داد؛ این کار به این سبب انجام شده است تا شباهت ارکان به حداکثر مکن برسد. اما به هر حال از مصراع چهارم به بعد در ارکان شعر به هم ریختگی و ناسازگاری مشاهده می‌شود و باعث می‌شود که در یافتن نوع وزن آن دچار سردرگمی شویم. شاید تصور شود، سراینده این شعر با عروض ناآشناست، اما او مطلبی دارد با عنوان «سخنی با بزرگ‌ترها» که قسمت‌هایی از آن را نقل می‌کنیم:

با کودکان که باشی، هر روز چیزی تازه می‌آموزی و تجربه‌ای نو می‌اندوزی... شعر خردسال در وهله اول به ریتم و آهنگ مناسب نیازمند است... و این مجموعه اولین تجربه من است در این زمینه و برای این گروه سنی... (قاسم‌نیا، ۱۳۸۷: ۲).

۴-۳- شعر کودک و شعر عامیانه

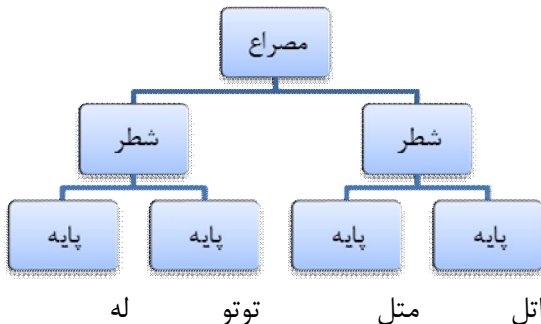
از منقولات «قاسم‌نیا» برمی‌آید که او راهی را به عمد برگزیده است و می‌خواهد در اولین صفحه از کتاب، مخاطب بزرگسال را به این موضوع آگاه کند. گرچه اشعار این کتاب او (ماه و ماهی) را می‌توان در وزن عروض سنتی جای داد، اما این نوع وزن دارای اختلافات اساسی با وزن عروضی است: در این اشعار هر مصراع برای خود دارای وزن عروضی جداگانه‌ای است، در حالی که در عروض سنتی هر قطعه شعر از همان مصراع نخست دارای نظمی است که تا پایان شعر حفظ می‌شود.

ممکن است برخی وزن این اشعار را نیمه‌هجایی - نیمه‌عروضی بدانند؛ یعنی مانند آنچه پناهی سمنانی در کتاب *ترانه و ترانه‌سرایی در ایران* نقل کرده است (احمد پناهی، ۱۳۸۳: ۱۳۲). شفیعی کدکنی در این باره می‌نویسد: «بنده نمی‌توانم قبول کنم که وزن این شعر هم عروضی است و هم هجایی، چون جمع میان این دو نوع وزن به نظرم غیرممکن می‌نماید» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۵۳۳).

پس وزن این اشعار چیست و از کجا آمده است؟ آیا قاسم‌نیا و شاعران کودک مبتکر این وزن بوده‌اند و سابقه‌ای در ادب فارسی ندارد؟ در پایان کتاب *علی کوچولو و مدرسه*، سروده اسدالله شعبانی که شامل هفت قطعه شعر با ویژگی‌های این نوع وزن است و در جلد چهارم از مجموعه بیست‌جلدی «شعرهای شیرین برای بچه‌ها» مطلبی آمده است تحت عنوان «سخنی با بزرگ‌ترها» که ما را قدمی پیشتر می‌برد: «ترانه‌های علی کوچولو به شیوه ترانه‌های عامیانه سروده شده...» (قاسم‌نیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۶).

در میان پژوهشگران دربارهٔ وزن ترانه‌ها اتفاق نظر وجود ندارد. در کتاب *ترانه و ترانه‌سرایی در ایران* دربارهٔ وزن ترانه‌ها آمده‌است که زیبایی و دلنشینی این‌گونه اشعار به دلیل وزن‌های زنده و جذاب آن است؛ وزنی که البته از تعرض اهل فضل و عروض‌دانان مصون مانده و ظاهراً نخستین بار شمس قیس رازی دربارهٔ این وزن اظهار نظر کرده‌است. گروهی همچون پروفیسور میلر و صادق هدایت و ملک‌الشعراى بهار وزن این اشعار را هجایی می‌دانند. دسته‌ای دیگر وزن آنها را نیمه‌عروضی - نیمه‌هجایی می‌دانند. پروفیسور مار معتقد است هیچ‌یک از قوانین عروضی و اصول هجایی را نمی‌توان برای آنها قایل شد. ادیب توسی وزن ترانه‌های عامیانه را براساس تعداد و توازن تکیه و هجا قرار داده و این وزن را حدفاصل شعر هجایی مطلق و وزن عروضی می‌داند. وحیدیان کامیار وزن این اشعار را عروضی، ولی با ویژگی‌های خاص خود و اختیارات شاعری بیشتر دانسته‌است و عقیده دارد که تغییر وزن در شعر عامیانه از ویژگی‌هایی است که در شعر رسمی فارسی سابقه ندارد، به این صورت که هر مصراع به صورت مستقل وزن عروضی دارد. احمدپناهی در ادامه از قول بنونیست نقل می‌کند که ایرانیان وزن هجایی را با وزن کمی عربی در هم آمیخته‌اند و وزن‌های رایج خود را در این قالب بازآفرینی کرده‌اند (احمدپناهی، ۱۳۸۳: ۱۳۸-۱۳۱).

تحلیل وزن شعر عامیانهٔ فارسی کتاب دیگری است که به بررسی وزن شعر عامیانه پرداخته‌است. در این کتاب وزن شعر عامیانهٔ فارسی تکیه‌ای - هجایی دانسته شده، که مکث در آن از مهم‌ترین اصول است. طیب‌زاده در این کتاب عقیده دارد که واحد وزن در این نوع شعر مصراع است و هر مصراع از یک یا چند شطر و هر شطر خود از یک یا چند پایه تشکیل شده‌است. برای نمونه مصراع «اتل متل توتوله» به دو قسمت تقسیم شود و در هر یک از این شطرها در جایی که الزاماً پایان کلمه نیست، مکثی کوتاه وجود دارد که باعث می‌گردد شطر به پایه تقسیم شود:



اکنون اگر بپذیریم که هجاهای قبل از مکث‌های کوتاه و بلند و نیز هجای پایانی مصراع همواره تکیه‌برهستند، به اصول کلی این وزن دست یافته‌ایم.

طیب‌زاده از یافته‌های خود در این کتاب برای تحلیل اشعاری که به گویش گیلکی سروده شده، استفاده کرده و نتیجه گرفته‌است با اینکه بسیار کوشیده می‌شود تا اشعار آن گویش در اوزان عروضی جای داده‌شود، اما این کوشش بی‌سرانجام است، زیرا این اشعار را اصولاً در وزنی مغایر با عروض سروده‌اند (طیب‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۸). نویسندگان مقاله «بررسی وزن شعر عامیانه فارسی براساس نظریهٔ وزنی» برای دست‌یافتن به اصول وزن شعر عامیانه از نظریهٔ وزنی بروس هیز استفاده کرده و به نتایج مشابهی دست‌یافته‌اند؛ آنها معتقدند که با این روش توصیف دقیق‌تری از وزن شعر عامیانه به دست داده‌اند (طیب‌زاده و ضیامجیدی، ۱۳۹۰: ۷۹). به عبارتی دیگر، آنان اصول این وزن را جهانی می‌دانند.

۵- وزن شعر کودک از نظر ما

آیا در شعر کودک نیز می‌توان به الگوی وزن شعر عامیانه دست یافت؟ نمونه‌ای از این اشعار که اتفاقاً از حیث وزن خوب و گیراست، در کتاب *اتل مثل ترانه*، شعرهای کودکانه آمده‌است، که برای مثال یکی از آنها را که سرودهٔ ناصر کشاورز است، بررسی می‌کنیم:

دوی دم دوی دم	دوی دم و دوی دم	(۱)
به بز اغال ارسی دم	به بزغاله رسیدم	(۲)
مع مع می کرد اگش نه بود	مع مع می کرد گشنه بود	(۳)
پیش ماما نش نبود	پیش مامانش نبود	(۴)
مامان بزی توای دشت	مامان بزی توای دشت	(۵)
دن بال سب ازی می گشت	دن بال سبزی می گشت	(۶)
تا بخوره سیرا بشه	تا بخوره سیر بشه	(۷)
می میش پراز شیرا بشه	می میش پر از شیر بشه	(۸)
دوی دم دوی دم	دوی دم و دوی دم	(۹)
رفتم به دشت ارسی دم	رفتم به دشت رسیدم	(۱۰)
مامان بزی را دی دم	مامان بزی را دیدم	(۱۱)
گفتم ماما بزی جون	گفتم: «مامان بزی جون	(۱۲)
زودباش برو خوا نتون	زودباش برو خونتون	(۱۳)
بچ ای تو شیرا می خواد	بچه تو شیر می خواد	(۱۴)
گش انه ش خا ایش می آد	گشنه‌ش خوابش می آد»	(۱۵)

در شعر بالا مطابق با کار طیب‌زاده، مکث‌های کوتاه را با یک خط عمودی (|) و مکث بلند را با دو خط عمودی (||) نشان داده‌ایم. حال به جای هجاهای نوشته‌شده، از علایم خط کشیده استفاده می‌کنیم. چنان که می‌بینیم هر مصراع به دو شطر و هر شطر به دو پایه تقسیم می‌شود. اما تعداد هجاها در شطرها برابر نیست. پایه‌های چهارهجایی در شطر نخست جای می‌گیرد و پایه سه‌هجایی در شطر طرف دوم قرار می‌گیرند؛ آیا نظیر این الگو در شعر عامیانه نیز وجود دارد؟ طیب‌زاده چنین آورده‌است:

وزن ۳، ۴ شاید بتوان این وزن را پرکاربردترین وزن در میان وزن‌های شعر عامیانه فارسی دانست. بسیاری از معروف‌ترین اشعار عامیانه به این وزن است (طیب‌زاده، ۱۳۸۲: ۹۹).

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که وزن شعر کودک را می‌توان براساس الگوی وزن شعر عامیانه تقطیع کرد. اکنون به شعر قاسم‌نیا بازمی‌گردیم. آیا آن شعر را نیز می‌توان با همین صورت تقطیع کرد؟

ممان می‌گه بزرگ شدی	ممان می‌گه بزرگ شدی
خودت برو تنها بخواب	خودت برو تنها بخواب
بابا می‌گه مواقع خواب	بابا می‌گه: موقع خواب
خودت بخواب از رو کتاب	خودت بخواب از رو کتاب
کاشکی که من کوچک بودم	کاشکی که من کوچک بودم
کوچک‌تر از سن حالام	کوچک‌تر از سن حالام
تا که ممان خواب می‌کرد	تا که ممان خواب می‌کرد
قصه می‌گفت برام بابام	قصه می‌گفت برام بابام

(قاسم‌نیا، ۱۳۸۱: ۴)

چنان که می‌بینیم این شعر به صورت ۴ و ۴ قابل تقطیع است که در هر شطر دو پایه و دو تکیه می‌آید که البته لزوماً جای تکیه‌ها یکسان نیست. وزن قطعه شعر زیر نیز - که قبلاً آمده بود، ۴ و ۳ است با دو تکیه در هر مصرع:

کلاه قرمز کم؟	کلاه قرمز کم؟
همون که مادرم بافت	همون که مادرم بافت
چه زحمتی کشید او	چه زحمتی کشید او
اندازه سرم بافت	اندازه سرم بافت
روی کلاه من بود	روی کلاه من بود
عکس دوتا بچه‌موش	عکس دوتا بچه‌موش
گرچه به من بگو زود	گرچه به من بگو زود
کلاه قرمز کموش	کلاه قرمز کموش

(قاسم‌نیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۲)

اکنون به قطعه شعر «حسنى بى دندون شده» بازمى گرديم:

— — — — — — — —	حسنى بى دن دون شده
— — — — — — — —	زا ر و پ — رى شون شده
— — — — — — — —	بى اح تيا طى كراده
— — — — — — — —	حا لا پشى مون شده
— — — — — — — —	با دن دونش شكس ات
— — — — — — — —	با دوم سخ ت پس ته
— — — — — — — —	م — ك زده ب آب نب — ات
— — — — — — — —	ه — ي جو پ — ده شك لات
— — — — — — — —	ق — ن دون خا لى كراده
— — — — — — — —	وا ي كه چه كا رى كراده
— — — — — — — —	دون — ه به دون — ه دن دونش
— — — — — — — —	خ — راب شن يواش يواش
— — — — — — — —	تا خون ي هم سايه ها
— — — — — — — —	مى آد صدا ي گرايه هاش

همان‌طور که می‌بینیم وزن این شعر نیز ۴ و ۳ است. البته در چند مصرع یک هجا اضافه است که خواننده شعر این تفاوت را احساس می‌کند، و این خود می‌رساند که طبع ما فارسی‌زبانان با این وزن آشناست؛ گرچه حتی به خاطر عدم مطالعه ادیبان و زبان‌شناسان در مورد این وزن، نوع وزن آن را نشناسیم. البته همه شعرهای عامیانه و به تبع آن شعر کودک دارای دو شطر و دو تکیه نیستند، بلکه چنان‌که طبیب‌زاده در کتاب خود آورده‌است، شعرهایی با شطرهای کم‌تر و بیشتر نیز در بین مردم رواج دارد که منشأ سرایش شعر کودک در اوزان گوناگون تکیه‌ای-هجایی خواهد بود.

۶- نتیجه‌گیری

شعر فارسی در مسیر پرفراز و نشیب خویش از پیش از اسلام تا کنون فرم و محتواهای بسیاری را تجربه کرده‌است. برخی از این تجربه‌ها نه به وسیله ادیبان رسمی و پرورش‌یافته، که توسط مردم عادی حفظ شده و سینه به سینه روزگار را طی کرده‌است. یکی از انواع این تجربه‌ها شعر عامیانه است که هم از نظر محتوا و هم شکل ظاهری و وزن و قافیه با شعر رسمی تفاوت‌هایی دارد. بررسی صورت و محتوای این نوع شعر در

ادب فارسی مغفول مانده بود تا اینکه در دوره جدید مورد توجه قرار گرفت، و از جمله برای سرودن شعر کودکان، دستمایه شاعران کودک شد. همان طور که در کیفیت وزن شعر عامیانه میان محققان اختلاف است، در مورد وزن شعر کودک نیز اختلافاتی وجود دارد. در این مقاله با توجه به تحقیقاتی که درباره وزن شعر عامیانه انجام شده است و با تبیین ارتباط شعر عامیانه و شعر کودک سعی در شناخت وزن شعر کودک نمودیم. وزن شعر کودک را با همه اختلافاتی که در شناخت نوع آن وجود دارد، می توان در وزن تکیه ای-هجایی جای داد. این نظر از سوی نگارندگان برای نخستین بار ابراز می شود و به همین سبب مدعی جامع و مانع بودن آن نیستند و شاید محققان تیز بین به نکاتی دیگر نیز دست یابند. علت اختلاف در یافتن وزن شعر کودک نگاه سنت گرایانه به موضوع وزن است و اصرار بر اینکه وزن این شعر را به هر حال باید در نوعی از اوزان شناخته شده سنتی جای داد.

پی نوشت

۱- نویسندگان مقاله از این نکته آگاه اند که در شعر کلاسیک فارسی در هر مصراع دوبار مستفعلاتن تکرار می شود، ولی در شعر نمونه هر مصراع تنها یک مستفعلاتن دارد. این نیز از راه های تنوع بخشیدن به وزن است که شاعران کودک برگزیده اند. در بعضی نمونه ها آنان هر مصراع شعر عروضی کلاسیک را تبدیل به یک بیت کرده اند.

منابع

- احمدپناهی، محمد [پناهی، سمنانی] (۱۳۸۳)، *ترانه و ترانه‌سرایی در ایران: سیری در ترانه‌های ملی ایران*، تهران: سروش.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۶)، *سبک‌شناسی*، جلد ۱، تهران: امیرکبیر.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۷۵)، «چهره‌به‌چهره: گروه‌بندی گروه‌های سنی بی‌اعتبار است»، *پژوهشنامه کودک و نوجوان*، پاییز ۱۳۷۵، شماره ۶، صص ۲۴-۶۱.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰)، *انواع شعر فارسی*، شیراز: نوید.
- سلاجقه، پروین (۱۳۸۷)، *از این باغ شرقی*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۵)، *موسیقی شعر*، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۲)، *سبک‌شناسی شعر*، تهران: فردوس.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۸)، *تاریخ ادبیات ایران*، جلد ۱، تهران: ققنوس.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۸۲)، *تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی*، تهران: نیلوفر.
- _____ (۱۳۸۹)، «بررسی تطبیقی وزن‌های کمی و تکیه‌ای-هجایی در فارسی و گیلکی»، *فصلنامه ادب پژوهی*، شماره ۱۱، صص ۳۰-۷.
- طیب‌زاده، امید و ضیامجیدی، لیلا (۱۳۹۰)، «بررسی وزن اشعار عامیانه فارسی براساس نظریه وزنی»، شماره ۱۶، صص ۸۰-۵۹.
- قاسم‌نیا، شکوه، اسدالله شعبانی، حسین احمدی، افشین علا و جعفر ابراهیمی (۱۳۸۶)، *شعرهای شیرین برای بچه‌ها*، مجموعه ۲۰ جلدی، تهران: قدیانی.
- قاسم‌نیا، شکوه (۱۳۸۱)، *کلاغه به خنده افتاد*، تهران: زیتون.
- _____ (۱۳۸۷)، *ماه و ماهی*، تهران: قدیانی.
- مزینانی، محمدکاظم (۱۳۸۷)، *اتل مثل ترانه*، شعرهای کودکانه، مجموعه ۵ جلدی، جلد ۲، تهران: افق.
- مهدی‌پور عمرانی، روح‌الله (۱۳۸۳)، «یک بستر و دو رویا، بررسی آثار ادبی شکوه قاسم‌نیا»، *پژوهشنامه کودک و نوجوان*، بهار ۱۳۸۳، شماره ۳۶، صص ۲۳۱-۲۱۶.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۶)، *وزن شعر فارسی*، تهران: ققنوس.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۴)، *قافیه و عروض*، تهران: چاپ و نشر ایران.